

نگاه روز

ساختار نفوذناپذیر نظام اجتماعی ایران

اصغر مهاجری
جامعه‌شناس



جامعه امروز ما شاهد این است که سیاست بر همه حوزه‌ها هم از اجتماعی اقتصادی فرهنگی سایه انداخته است؛ اینکه آیا می‌توان از این سایه گذر کرد یا نه؟ اینها منتهی به مسأله است. شهروندی و جامعه‌شناسی حقوق شهروندی باید با دلایل مختلف تقویت شود و می‌بایست بتوان دید نظام شهروندی با مطالبات خود در حوزه‌های مختلف می‌تواند حتی خودخواسته به حوزه قدرت تمدن سیاست هم تحمیل کند. این اتفاق بعد نیست، اما نه در آنکار بلکه در حفا قدرت نظام سیاسی هر چقدر که بتوان آن را تصور کرد هم که باشد، باز هم نظام‌های اجتماعی فرهنگی و اقتصادی می‌توانند خود را بر نظام سیاسی تحمیل کنند و نظام سیاسی نهایتاً نمی‌تواند مقاومتی داشته باشد. بسیاری از هنجارهای قانونی را نظام‌های اجتماعی از باور آورد مثل حقوق ویدیوها که ۶ ماه پس از امانی نامندگان خاتمه ملت به کشور آمد یا ماهواره‌ها که چندین بار تلاش شد در جامعه کنترل نشود؛ اما در نهایت وارد شد و گسترش پیدا کرد. با این حال این توضیح را از هم فکرم که نظام اجتماعی به اصطلاح پنجاهان را در حفا در مقابل نظام سیاسی باز می‌کند و از هم کار خود را می‌کند. زمانی می‌توان نظام اجتماعی را روی صحنه آورد که بحث شهروندی و حقوق اجتماعی شهروندان به عنوان عنصر اصلی نظام سیاسی و اجتماعی نشان داده شود. بسیاری از افراد در جامعه ما از مفاد قانونی حقوق شهروندی که در قانون اساسی آمده است بی اطلاع هستند و حق خود را برای مطالبه نمی‌شناسند.

در این جانشین رکن چهارم مومکرانی که رسانه‌ها هر چند ندمت مشخص می‌شود رسانه‌ها اگر آرایش خوبی داشته باشند، می‌توانند نبرد نظام سیاسی و نظام‌های اجتماعی را از پشت صحنه به روی صحنه بیاورند. نظامات اجتماعی در تمامی دنیا حرف اول را می‌زنند در ایران هم همین‌طور است. ما در مقایسه با کشورهای متعقله و همسایه‌ها این نظامات اجتماعی قوی‌تری داریم. زمانی که دین اسلام به ایران آمد نهاران مسلمان بودند و هر دو از کشورهای متعقله بودند و اتفاقاً هر دو هم فتح شدند ولی نظام دینی جهان عرب با مقایسه عربی بر مصر حاکم می‌شود. به نظری که امروز هیچ‌کسی نمی‌تواند به مصر کنونی عرب نیست اما در ایران نظامات اجتماعی از جمله زبان، قوانین و دیوان سالاری در حلی که اسلام را می‌پذیرد و درک نظامات اجتماعی در چار چوب اسلام صورت می‌گیرد. با این حال کلاماً قالب تعریف شده جهان عرب فرو نمی‌رود و دینی ناب به جهان معرفی می‌کند که بسیار متمایز تر از اسلام شکل گرفته در کشورهای عربی است. نظامات اجتماعی ایران در زمان حمله مغول هم توانست ساختارهای خود را به زیر یومین قبولاندا اما یاد گرفته‌اند که این سازه را در خاندان کیم نظامات اجتماعی ما هر چند زیر زمینی تر شده است اما همواره قدرتمند مطالبات خود را دنبال می‌کند. است. شیوه عملکردی و کارکردی نظام اجتماعی ما نسبت به کشورهای توسعه یافته اروپایی متفاوت است. در واقع ما شیوه‌ای نهایی را دنبال می‌کنیم؛ هر که در ظاهر هم متحول شود ساختار حکم و بنیادین است. نمونه‌اش همان جهان عرب است که نتوانست ساختارهای خود را بر ما تحمیل کند. مثل معاصرین هم در همسایگان ما مثل پاکستان دیده می‌شود، آنها به راحتی زبان انگلیسی را پذیرفته‌اند اما با وجود این که مدت‌ها می‌شدی است این زبان را می‌خوانند دانشجوئی زبان انگلیسی ایندی‌فیشیم.

شیوه استعمار حیات نظام اجتماعی در شرایطی که امروش پارچاست، در مقایسه با سیاست و اقتصاد متفاوت است. نظام اجتماعی شیوه پنهان و زیر زمینی‌تری می‌گردد. به اجابت می‌رود و زیر زمینی‌تر می‌شود. هر چه هست اما از اعتقاد به شیوه تکامل و رهایی تا نپنداشتن انتقادی مسیر حرکت بر خفا تا جاج - همگان بر این نکته اتفاق نظر دارند که سرمایه اجتماعی در ایران از انقلاب مشروطه به بعد دستخوش تغییر ماهیت شده است و همچنان این پروسه وجود دارد که آیا در حال این پروسه سرمایه اجتماعی هستیم یا برعکس آن رفتار می‌کنیم. پس از تغییر ماهیت این پروسه سرمایه اجتماعی از انقلاب مشروطه که گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تازه در کشور ایجاد کرد، اندیشمندان، مفکران و روشنفکران ایرانی به گونه‌ای خودشان ساختار سرمایه اجتماعی می‌گویند؛ اصطلاحی که معنای دقیقی بر آن مترتب نیست اما به نظر می‌آید پیش‌بینی معطوف به مفاهیمی روشن در نظامات



طرح نو
شهرود

از سر دلگتی
آرزو می‌کنم هر چیز
در جای خود بنشیند
شهرام ناظری



روایتی از زندگی
مردمان کشور بجز
هنموازی بزرگ
فقر و جنگ
حمیدرضا عظیمی



درباره راهکارهای ایجاد، گسترش و انباشت سرمایه اجتماعی
جامعه ایرانی به چه نیاز دارد؟

همین صفحه و صفحه ۱۱

تلاش است آرای صاحب نظران بر حسته رانند و خصوص سرمایه اجتماعی بازگو کنند در آن تلاش آن در یافته شود که مفهوم مدرن سرمایه اجتماعی در ایران با چه شرایطی مواجه شده است. ● ● ● یک مفهوم چندبعدی مفهوم سرمایه اجتماعی دیرزمانی نیست که به عرصه علوم اجتماعی وارد شده است اما با سرعت چشمگیری وارد ملاحظاتی گسترش یافته است. در پای این مفهوم را می‌توان از آثار بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک در مفاهیمی از قبیل اعتماد، همبستگی و انسجام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها مشاهده کرد. سرمایه اجتماعی در معنای مدرن خود ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های «هانتینگتون» سرپرست وقت مدارس ویرجینیایی غربی در آمریکا به کار رفت. این سرمایه ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانه مردم مانند حق کسب و کار، معاشرت، همکاری و همدردی و داد و ستد اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که اجزای اجتماعی را می‌سازند، دربر می‌گرفت. وی سرمایه اجتماعی را حاصل ظرفیتهای بالقوه‌ای می‌دانست که برای بهبود اساسی شرایط زندگی اجتماعی کاپیتالیست‌ها بعد از هانتینگتون و جامعه‌شناسان بسیاری مطالعاتی و نظریه‌های خود را بر این خصوص ارائه دادند. افرادی چون جین کاپوب، اندی مسال شپری، گلن لوری اقتصاددان، ایوان لایت جامعه‌شناس فرانسوی و کولیا جیمز کلمن جامعه‌شناس علوم سیاسی، بی برودی جامعه‌شناس علم سیاست، پی برودی جامعه‌شناس علم سیاست، دودها، نمن توانستند انقلاب کنند، به عبارت بهتر، انقلاب از بخش پایینی جامعه شروع نمی‌شود زیرا توده‌ها از خود گامی اجتماعی برخوردار نیستند، بنابراین تا توجیه به این که انقلاب امری تئوریک به حساب می‌آید از طبقه میانی و روشنفکران جامعه شروع می‌شود. در صورت به همین خاطر است که می‌گویم ریس دولت نهم و دولت دهم چون از برده برآمده بودند، نه‌تنها می‌کردند خود را با استفاده از بی‌وگان و شعارهای ایدئالیستی حفظ کنند. از سوی دیگر در طول تاریخ ایران هیچ‌گاه ایدئالیست‌ها قدرت از کاتال‌های منتقلی‌شان نبودند. ادامه در صفحه ۱۰

تلاش است آرای صاحب نظران بر حسته رانند و خصوص سرمایه اجتماعی بازگو کنند در آن تلاش آن در یافته شود که مفهوم مدرن سرمایه اجتماعی در ایران با چه شرایطی مواجه شده است. ● ● ● یک مفهوم چندبعدی مفهوم سرمایه اجتماعی دیرزمانی نیست که به عرصه علوم اجتماعی وارد شده است اما با سرعت چشمگیری وارد ملاحظاتی گسترش یافته است. در پای این مفهوم را می‌توان از آثار بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک در مفاهیمی از قبیل اعتماد، همبستگی و انسجام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها مشاهده کرد. سرمایه اجتماعی در معنای مدرن خود ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های «هانتینگتون» سرپرست وقت مدارس ویرجینیایی غربی در آمریکا به کار رفت. این سرمایه ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانه مردم مانند حق کسب و کار، معاشرت، همکاری و همدردی و داد و ستد اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که اجزای اجتماعی را می‌سازند، دربر می‌گرفت. وی سرمایه اجتماعی را حاصل ظرفیتهای بالقوه‌ای می‌دانست که برای بهبود اساسی شرایط زندگی اجتماعی کاپیتالیست‌ها بعد از هانتینگتون و جامعه‌شناسان بسیاری مطالعاتی و نظریه‌های خود را بر این خصوص ارائه دادند. افرادی چون جین کاپوب، اندی مسال شپری، گلن لوری اقتصاددان، ایوان لایت جامعه‌شناس فرانسوی و کولیا جیمز کلمن جامعه‌شناس علوم سیاسی، بی برودی جامعه‌شناس علم سیاست، پی برودی جامعه‌شناس علم سیاست، دودها، نمن توانستند انقلاب کنند، به عبارت بهتر، انقلاب از بخش پایینی جامعه شروع نمی‌شود زیرا توده‌ها از خود گامی اجتماعی برخوردار نیستند، بنابراین تا توجیه به این که انقلاب امری تئوریک به حساب می‌آید از طبقه میانی و روشنفکران جامعه شروع می‌شود. در صورت به همین خاطر است که می‌گویم ریس دولت نهم و دولت دهم چون از برده برآمده بودند، نه‌تنها می‌کردند خود را با استفاده از بی‌وگان و شعارهای ایدئالیستی حفظ کنند. از سوی دیگر در طول تاریخ ایران هیچ‌گاه ایدئالیست‌ها قدرت از کاتال‌های منتقلی‌شان نبودند. ادامه در صفحه ۱۰

تلاش است آرای صاحب نظران بر حسته رانند و خصوص سرمایه اجتماعی بازگو کنند در آن تلاش آن در یافته شود که مفهوم مدرن سرمایه اجتماعی در ایران با چه شرایطی مواجه شده است. ● ● ● یک مفهوم چندبعدی مفهوم سرمایه اجتماعی دیرزمانی نیست که به عرصه علوم اجتماعی وارد شده است اما با سرعت چشمگیری وارد ملاحظاتی گسترش یافته است. در پای این مفهوم را می‌توان از آثار بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک در مفاهیمی از قبیل اعتماد، همبستگی و انسجام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها مشاهده کرد. سرمایه اجتماعی در معنای مدرن خود ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های «هانتینگتون» سرپرست وقت مدارس ویرجینیایی غربی در آمریکا به کار رفت. این سرمایه ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانه مردم مانند حق کسب و کار، معاشرت، همکاری و همدردی و داد و ستد اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که اجزای اجتماعی را می‌سازند، دربر می‌گرفت. وی سرمایه اجتماعی را حاصل ظرفیتهای بالقوه‌ای می‌دانست که برای بهبود اساسی شرایط زندگی اجتماعی کاپیتالیست‌ها بعد از هانتینگتون و جامعه‌شناسان بسیاری مطالعاتی و نظریه‌های خود را بر این خصوص ارائه دادند. افرادی چون جین کاپوب، اندی مسال شپری، گلن لوری اقتصاددان، ایوان لایت جامعه‌شناس فرانسوی و کولیا جیمز کلمن جامعه‌شناس علوم سیاسی، بی برودی جامعه‌شناس علم سیاست، پی برودی جامعه‌شناس علم سیاست، دودها، نمن توانستند انقلاب کنند، به عبارت بهتر، انقلاب از بخش پایینی جامعه شروع نمی‌شود زیرا توده‌ها از خود گامی اجتماعی برخوردار نیستند، بنابراین تا توجیه به این که انقلاب امری تئوریک به حساب می‌آید از طبقه میانی و روشنفکران جامعه شروع می‌شود. در صورت به همین خاطر است که می‌گویم ریس دولت نهم و دولت دهم چون از برده برآمده بودند، نه‌تنها می‌کردند خود را با استفاده از بی‌وگان و شعارهای ایدئالیستی حفظ کنند. از سوی دیگر در طول تاریخ ایران هیچ‌گاه ایدئالیست‌ها قدرت از کاتال‌های منتقلی‌شان نبودند. ادامه در صفحه ۱۰

تلاش است آرای صاحب نظران بر حسته رانند و خصوص سرمایه اجتماعی بازگو کنند در آن تلاش آن در یافته شود که مفهوم مدرن سرمایه اجتماعی در ایران با چه شرایطی مواجه شده است. ● ● ● یک مفهوم چندبعدی مفهوم سرمایه اجتماعی دیرزمانی نیست که به عرصه علوم اجتماعی وارد شده است اما با سرعت چشمگیری وارد ملاحظاتی گسترش یافته است. در پای این مفهوم را می‌توان از آثار بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک در مفاهیمی از قبیل اعتماد، همبستگی و انسجام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها مشاهده کرد. سرمایه اجتماعی در معنای مدرن خود ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های «هانتینگتون» سرپرست وقت مدارس ویرجینیایی غربی در آمریکا به کار رفت. این سرمایه ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانه مردم مانند حق کسب و کار، معاشرت، همکاری و همدردی و داد و ستد اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که اجزای اجتماعی را می‌سازند، دربر می‌گرفت. وی سرمایه اجتماعی را حاصل ظرفیتهای بالقوه‌ای می‌دانست که برای بهبود اساسی شرایط زندگی اجتماعی کاپیتالیست‌ها بعد از هانتینگتون و جامعه‌شناسان بسیاری مطالعاتی و نظریه‌های خود را بر این خصوص ارائه دادند. افرادی چون جین کاپوب، اندی مسال شپری، گلن لوری اقتصاددان، ایوان لایت جامعه‌شناس فرانسوی و کولیا جیمز کلمن جامعه‌شناس علوم سیاسی، بی برودی جامعه‌شناس علم سیاست، پی برودی جامعه‌شناس علم سیاست، دودها، نمن توانستند انقلاب کنند، به عبارت بهتر، انقلاب از بخش پایینی جامعه شروع نمی‌شود زیرا توده‌ها از خود گامی اجتماعی برخوردار نیستند، بنابراین تا توجیه به این که انقلاب امری تئوریک به حساب می‌آید از طبقه میانی و روشنفکران جامعه شروع می‌شود. در صورت به همین خاطر است که می‌گویم ریس دولت نهم و دولت دهم چون از برده برآمده بودند، نه‌تنها می‌کردند خود را با استفاده از بی‌وگان و شعارهای ایدئالیستی حفظ کنند. از سوی دیگر در طول تاریخ ایران هیچ‌گاه ایدئالیست‌ها قدرت از کاتال‌های منتقلی‌شان نبودند. ادامه در صفحه ۱۰

تلاش است آرای صاحب نظران بر حسته رانند و خصوص سرمایه اجتماعی بازگو کنند در آن تلاش آن در یافته شود که مفهوم مدرن سرمایه اجتماعی در ایران با چه شرایطی مواجه شده است. ● ● ● یک مفهوم چندبعدی مفهوم سرمایه اجتماعی دیرزمانی نیست که به عرصه علوم اجتماعی وارد شده است اما با سرعت چشمگیری وارد ملاحظاتی گسترش یافته است. در پای این مفهوم را می‌توان از آثار بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک در مفاهیمی از قبیل اعتماد، همبستگی و انسجام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها مشاهده کرد. سرمایه اجتماعی در معنای مدرن خود ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های «هانتینگتون» سرپرست وقت مدارس ویرجینیایی غربی در آمریکا به کار رفت. این سرمایه ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانه مردم مانند حق کسب و کار، معاشرت، همکاری و همدردی و داد و ستد اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که اجزای اجتماعی را می‌سازند، دربر می‌گرفت. وی سرمایه اجتماعی را حاصل ظرفیتهای بالقوه‌ای می‌دانست که برای بهبود اساسی شرایط زندگی اجتماعی کاپیتالیست‌ها بعد از هانتینگتون و جامعه‌شناسان بسیاری مطالعاتی و نظریه‌های خود را بر این خصوص ارائه دادند. افرادی چون جین کاپوب، اندی مسال شپری، گلن لوری اقتصاددان، ایوان لایت جامعه‌شناس فرانسوی و کولیا جیمز کلمن جامعه‌شناس علوم سیاسی، بی برودی جامعه‌شناس علم سیاست، پی برودی جامعه‌شناس علم سیاست، دودها، نمن توانستند انقلاب کنند، به عبارت بهتر، انقلاب از بخش پایینی جامعه شروع نمی‌شود زیرا توده‌ها از خود گامی اجتماعی برخوردار نیستند، بنابراین تا توجیه به این که انقلاب امری تئوریک به حساب می‌آید از طبقه میانی و روشنفکران جامعه شروع می‌شود. در صورت به همین خاطر است که می‌گویم ریس دولت نهم و دولت دهم چون از برده برآمده بودند، نه‌تنها می‌کردند خود را با استفاده از بی‌وگان و شعارهای ایدئالیستی حفظ کنند. از سوی دیگر در طول تاریخ ایران هیچ‌گاه ایدئالیست‌ها قدرت از کاتال‌های منتقلی‌شان نبودند. ادامه در صفحه ۱۰

تلاش است آرای صاحب نظران بر حسته رانند و خصوص سرمایه اجتماعی بازگو کنند در آن تلاش آن در یافته شود که مفهوم مدرن سرمایه اجتماعی در ایران با چه شرایطی مواجه شده است. ● ● ● یک مفهوم چندبعدی مفهوم سرمایه اجتماعی دیرزمانی نیست که به عرصه علوم اجتماعی وارد شده است اما با سرعت چشمگیری وارد ملاحظاتی گسترش یافته است. در پای این مفهوم را می‌توان از آثار بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک در مفاهیمی از قبیل اعتماد، همبستگی و انسجام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها مشاهده کرد. سرمایه اجتماعی در معنای مدرن خود ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های «هانتینگتون» سرپرست وقت مدارس ویرجینیایی غربی در آمریکا به کار رفت. این سرمایه ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانه مردم مانند حق کسب و کار، معاشرت، همکاری و همدردی و داد و ستد اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که اجزای اجتماعی را می‌سازند، دربر می‌گرفت. وی سرمایه اجتماعی را حاصل ظرفیتهای بالقوه‌ای می‌دانست که برای بهبود اساسی شرایط زندگی اجتماعی کاپیتالیست‌ها بعد از هانتینگتون و جامعه‌شناسان بسیاری مطالعاتی و نظریه‌های خود را بر این خصوص ارائه دادند. افرادی چون جین کاپوب، اندی مسال شپری، گلن لوری اقتصاددان، ایوان لایت جامعه‌شناس فرانسوی و کولیا جیمز کلمن جامعه‌شناس علوم سیاسی، بی برودی جامعه‌شناس علم سیاست، پی برودی جامعه‌شناس علم سیاست، دودها، نمن توانستند انقلاب کنند، به عبارت بهتر، انقلاب از بخش پایینی جامعه شروع نمی‌شود زیرا توده‌ها از خود گامی اجتماعی برخوردار نیستند، بنابراین تا توجیه به این که انقلاب امری تئوریک به حساب می‌آید از طبقه میانی و روشنفکران جامعه شروع می‌شود. در صورت به همین خاطر است که می‌گویم ریس دولت نهم و دولت دهم چون از برده برآمده بودند، نه‌تنها می‌کردند خود را با استفاده از بی‌وگان و شعارهای ایدئالیستی حفظ کنند. از سوی دیگر در طول تاریخ ایران هیچ‌گاه ایدئالیست‌ها قدرت از کاتال‌های منتقلی‌شان نبودند. ادامه در صفحه ۱۰

تلاش است آرای صاحب نظران بر حسته رانند و خصوص سرمایه اجتماعی بازگو کنند در آن تلاش آن در یافته شود که مفهوم مدرن سرمایه اجتماعی در ایران با چه شرایطی مواجه شده است. ● ● ● یک مفهوم چندبعدی مفهوم سرمایه اجتماعی دیرزمانی نیست که به عرصه علوم اجتماعی وارد شده است اما با سرعت چشمگیری وارد ملاحظاتی گسترش یافته است. در پای این مفهوم را می‌توان از آثار بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک در مفاهیمی از قبیل اعتماد، همبستگی و انسجام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها مشاهده کرد. سرمایه اجتماعی در معنای مدرن خود ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های «هانتینگتون» سرپرست وقت مدارس ویرجینیایی غربی در آمریکا به کار رفت. این سرمایه ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانه مردم مانند حق کسب و کار، معاشرت، همکاری و همدردی و داد و ستد اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که اجزای اجتماعی را می‌سازند، دربر می‌گرفت. وی سرمایه اجتماعی را حاصل ظرفیتهای بالقوه‌ای می‌دانست که برای بهبود اساسی شرایط زندگی اجتماعی کاپیتالیست‌ها بعد از هانتینگتون و جامعه‌شناسان بسیاری مطالعاتی و نظریه‌های خود را بر این خصوص ارائه دادند. افرادی چون جین کاپوب، اندی مسال شپری، گلن لوری اقتصاددان، ایوان لایت جامعه‌شناس فرانسوی و کولیا جیمز کلمن جامعه‌شناس علوم سیاسی، بی برودی جامعه‌شناس علم سیاست، پی برودی جامعه‌شناس علم سیاست، دودها، نمن توانستند انقلاب کنند، به عبارت بهتر، انقلاب از بخش پایینی جامعه شروع نمی‌شود زیرا توده‌ها از خود گامی اجتماعی برخوردار نیستند، بنابراین تا توجیه به این که انقلاب امری تئوریک به حساب می‌آید از طبقه میانی و روشنفکران جامعه شروع می‌شود. در صورت به همین خاطر است که می‌گویم ریس دولت نهم و دولت دهم چون از برده برآمده بودند، نه‌تنها می‌کردند خود را با استفاده از بی‌وگان و شعارهای ایدئالیستی حفظ کنند. از سوی دیگر در طول تاریخ ایران هیچ‌گاه ایدئالیست‌ها قدرت از کاتال‌های منتقلی‌شان نبودند. ادامه در صفحه ۱۰

گپ روز

آفت‌شازدگی
در جامعه در گفت‌وگویی با علی بیگلری
شعارزدگی
به عوام فریبی می‌انجامد

طرح‌نو- رضا ناناجو «تحقق اقتصاد مقاومتی باید سه دور از شعارزدگی باشد. آنچه به حضور زبان آسیب می‌زند، شعارزدگی است. شعارزدگی آفت دستاوردهای نظام و مردم است. شعارزدگی عامل دور شدن از واقعیات است. شعارزدگی برای نام خلیج فارس بسندیده نیست، پدیده شعارزدگی در فضای عمومی کشور قابل انتقاد است و... گزاره‌های بالا بخشی از مضرات شعارزدگی از زبان نمایندگان مجلس، وزرا، اساتید دانشگاه و فعالان عرصه اجتماعی هستند. شعارزدگی قدرت در علم سیاست را «دماگوزی» (به انگلیسی: Demagogue) یا (به فرانسوی: Démagogue) یا «عوام فریبی» می‌نامند. جامعه ایران در ۱۰ سال گذشته شعار و شعارزدگی را با گوشت و پوست و استخوانش لمس کرد. شعارها داده می‌شد اما کاری از پیش نمی‌رفت، امروز اما وضعیت تغییر کرده است. دولت یازدهم موضع اتخاذ شده توسط دولت نهم و دهم را کنار گذاشته و از واقعیت‌ها صحبت می‌کند. اما پراستراتژی شعارزدگی تا چه حد معلول خواست جامعه است؟ طبقات مختلف اجتماعی چه نقشی در بروز چنین رویه‌ای دارند؟ دولت امروز با این مشکل چگونه برخورد می‌کند؟ علی بیگلری، استاد علوم سیاسی و روابط بین الملل با ما است تا این این سوالات پاسخ دهد:

به نظر شما چه اتفاقی می‌افتد که قدرت به‌سخت شعارزدگی متمایل می‌شود؟ در ابتدا باید بگویم «شعارزدگی» در علم سیاست به کار برده نمی‌شود. با این وجود می‌شود دلال بروز چنین وضعی را مورد بحث قرار داد. قدرت در این شرایط از مسیر اصلی و اساسی خود منحرف می‌شود بنابراین برای آن که تنظیم کننده سیاست باشد (که پراستراتژی وظیفه قدرت هم همین است) کارهای دیگری انجام می‌دهد. «دماگوزی» (به انگلیسی: Demagogue) که معادل فرانسوی آن «عوام فریبی» است می‌تواند ما را به بخشی از مفهوم عرفی که آن را شعارزدگی می‌نامند، نزدیک کند. این مسأله در دولت قبلی رواج داشت. توده‌های مردم به دلیل قبح خرد کافی اجتماعی بیشتر از منظر توجه به جنبه‌های احساسی یا مفهوم قدرت و مناسبات موجود در آن برخوردار می‌کنند. بنابراین آنها آرزویی و ایده‌آلیستی به قدرت می‌گرزند. در چنین وضعی قدرتی که قرار بود تنظیم کننده سیاست باشد در دست صاحب قدرت به شکل آبروی درمی‌آید که بیشتر به سمت دادن نشانی غلط به توده‌ها گرایش پیدا می‌کند.

دو ویژگی که در پاسخ به سوال قبلی به آنها اشاره کردید، در نگاه اول به عنوان پارادوکسکال می‌آیند. به عبارت دیگر، در یک نگاه سطحی به نظر می‌رسد قدرت مبتنی بر توده و دموکراسی با یکدیگر عین تضاد هستند. چطور می‌شود از این نگاه سطحی گذر کرد و مسأله را عمقی‌تر تبیین کرد؟

از منظر جامعه‌شناسی سیاسی بحث به این صورت تبیین می‌شود که توده‌ها نقشی در تنظیم سیاست ندارند، به عنوان مثال، برخلاف آنچه متداول است، توده‌ها نمی‌توانند انقلاب کنند، به عبارت بهتر، انقلاب از بخش پایینی جامعه شروع نمی‌شود زیرا توده‌ها از خود گامی اجتماعی برخوردار نیستند، بنابراین تا توجیه به این که انقلاب امری تئوریک به حساب می‌آید از طبقه میانی و روشنفکران جامعه شروع می‌شود. در صورت به همین خاطر است که می‌گویم ریس دولت نهم و دولت دهم چون از برده برآمده بودند، نه‌تنها می‌کردند خود را با استفاده از بی‌وگان و شعارهای ایدئالیستی حفظ کنند. از سوی دیگر در طول تاریخ ایران هیچ‌گاه ایدئالیست‌ها قدرت از کاتال‌های منتقلی‌شان نبودند. ادامه در صفحه ۱۰



ادامه در صفحه ۱۰